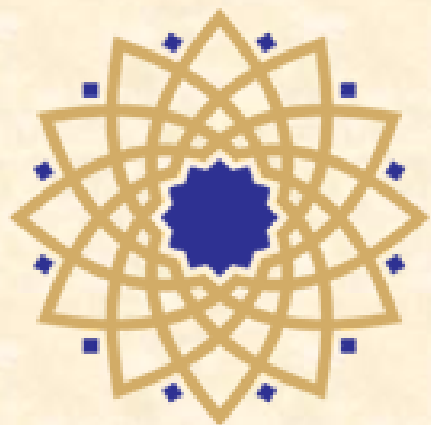


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سوره مبارکه علق



مجمع فرائد قرآنی و حدیثی
والتطباء تهران



فضیلت سوره علق



در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:
کسی که سوره علق را در شب یا روز قرائت نماید و پس از آن از دنیا
برود شهید از دنیا رفته است و در درجه شهیدان و مانند کسی است که
در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جهاد کرده است.

آثار و برکات سوره علق

در امان بودن در سفرهای دریایی

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: هر کس سفر دریایی می‌کند اگر سوره علق را بخواند از غرق شدن در امان می‌ماند.

حفاظت مخازن از شر آفات

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: اگر سوره علق را بر در مخزن یا انباری بخوانند خداوند آن را از شر هر آفت و سارقی مصون می‌دارد تا اینکه مالکش آن را بیرون آورد.

حکم شرعی آیه با سجده واجب

سوره علق جزو چهار سوره سجده‌دار (عزائم) قرآن است و آیه آخر آن سجده واجب دارد؛ یعنی در هنگام قرائت (با صدا) یا شنیدن این آیه، فرد باید سجده کند.

در هنگام قرائت (با صدا) یا شنیدن آیه ی سجده دار، فرد باید سجده کند. آیه ی سجده دار، احکام خاصّ خود را دارد؛ مثلاً فرد نمازگزار نمی تواند سور عزائم را بعد از حمد قرائت کند. همچنین خواندن آن ها در حال حیض یا جنابت ممنوع است.

شأن نزول سوره علق

شبی که پیامبر (ص) در غار حرا بود، فرشته خدا حق را بر او نازل کرد و بدو گفت: "اقْرَأْ" رسول (ص) پاسخ داد: من خواندن بلد نیستم.

رسول خدا (ص) فرمودند: آن فرشته مرا گرفت و فشاری بر من وارد آورد، به طوری که تاب و توانم از دست رفت، آنگاه رهایم کرد و دوباره گفت: "اقْرَأْ" گفتم من خواندن بلد نیستم. سه مرتبه تکرار شد و سپس گفت:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند هستی بخش مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

بخوان به نام پرورگارت که آفرید.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

انسان را از خون بسته خلق کرد.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

بخوان که پروردگارت بزرگوarter است.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

او که بوسیله قلم پیاموخت.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

به انسان آنچه نمی دانست، تعلیم داد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

اقْرَأْ: پیامبر امر به قرائت شدند، به فهم و ضبط معانی نوشته شده‌ای که با بصر یا بصیرت رویت می‌شود قرائت گویند.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

رویت + علم + ابراز

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

اسم: احاطه چیزی بر چیز دیگر

رب: سوق دادن چیزی به سوی کمال و رفع نواقصی که دارد با خالص‌سازی و آراستن آن است.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

قرائت به اسم رب، جریانی است در سوق دادن فرد به سوی کمالش.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

علق: تعلق داشتن به چیزی به صورتی که بدون وجود آن، قوام شیء حفظ نمی‌شود.

انسان از چیزی آفریده شده که دارای تعلق است و به هیچ وجه نمی‌تواند مستقل باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

اکرم: در مقابل خواری است و عزت و برتری ذاتی بدون مقایسه با دیگری را گویند.

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ: پروردگار تو کسی است که عطایش فوق عطای هر کس دیگر است، چون هر کس دیگر که به تو عطایی می‌کند به استحقاق می‌کند، ولی پروردگارت بدون استحقاق عطا می‌کند. علاوه بر این، عطای دیگران هم عطای اوست و بالاخره هر عطایی به او منتهی می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

عَلَّمَ: حضور و یا احاطه یافتن به چیزی را گویند.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

قَلَم: آنچه در هستی سطر می‌شود توسط قلم است و قلم عهده‌دار ثبت هر چیزی است.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

خداوند در این سوره خود را معلم
انسان معرفی کرده و بیان می‌کند که
آنچه را انسان به آن علم نداشت، به او
تعلیم کرد.



• خداوندی که به پیامبر (ص) دستور داده تا با اسم رب بخواند، همان ربی است که برترین بخشش‌ها را می‌کند و این بخشش نه به دلیل نیاز اوست، بلکه اقتضای پروردگاری اوست. پس پیامبر (ص) در خواندنش، نیاز دارد که پروردگارش به او ببخشد.

• خداوندی که به پیامبر (ص) دستور به قرائت داد، همان خدایی است که احتیاج انسان به علم را دانسته و بنابر این به او این توانایی را داد که بتواند به وسیله علم با غیر خودش ارتباط برقرار کند و آنها را در صحیفه وجود خویش حاضر کرده، بر آنها احاطه یابد. چون خداوند او را به این توانمندی توانا ساخته، او را قادر به قرائت کرده‌است.

• انسان برای هر فهمی محتاج علم است، از این روست که برای قرائت به قلم محتاج است.

• انسان از وضعیتی نامستقل و ناپایدار، به کمک علم و قلم، به ثبات می‌رسد.



كَأَنَّ إِنْ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿٦﴾ نه چنین است، این انسان طغیان می‌کند،

أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿٧﴾ هنگامی که احساس بی‌نیازی کند.

طغی: از حد گذراندن

استغناء: عدم احتیاج

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾
به تحقیق بازگشت همگی به سوی پروردگار توست.

پس زمینه داستان فضای دوم آیات

در ذیل آیه "أرأیت الذی ینهی... " آمده که ابوجهل گفت : راستی محمد صورت خود را در حضور شما به خاک می گذارد؟ گفتند : بله . گفت به آن کس که باید به او سوگند خورد ، اگر او را ببینم که چنین میکند گردنش را لگدمال خواهم کرد. شخصی در همان بین صدا زد که این است که دارد نماز می خواند، ابوجهل پیش رفت تا گردن رسول خدا (ص) را لگدکوب کند، چیزی نگذشت که عقب عقب برگشت، در حالی که دست ها را پیش رویش گرفته بود، (گویی از چیزی پرهیز میکرد و بلایی را از خود دور می ساخت)، مردم از او پرسیدند : تو را چه می شود ای ابالحکم؟ گفت: بین من و او خندقی از آتش است و این ها بالدار هایند. رسول خدا (ص) فرمود: به آن خدایی که جانم به دست اوست اگر به من نزدیک میشد ، ملایکه تکه تکه بدنش را می قاپیدند، اینجا بود که خدای تعالی آیه ی "أرأیت الذی ینهی" را تا به آخر سوره نازل کرد.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾

ای رسول ما! آیا دیدی آن کس را که نهی میکرد؟

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾

بنده ای را که به نماز ایستاده بود.

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ﴿١١﴾

به من خبر ده که اگر او در مسیر هدایت باشد؟

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ﴿١٢﴾

و یا مردم را به پرهیزکاری دعوت کند؟

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٣﴾

به من خبر ده اگر او تکذیب کند و روی برگرداند؟

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾

عبد : انسان فرمانبردار

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ﴿١١﴾

تقوی: مراقبت کردن و نگه داشتن چیزی از خلاف
و عصیان

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ﴿١٢﴾

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٣﴾

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟ ﴿١٤﴾
آیا نمی داند که خدا همه چیز را می بیند؟



كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾

نه چنین است که اگر دست بر ندارد، موی جلوی سرش
را می گیریم.

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾

موی پیشانی دروغگوی خطاکار را.

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾

آنگاه هرکسی را می خواهد صدا زند.

سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ ﴿١٨﴾

ما هم به زودی آتشبانان دوزخ را صدا می زنیم.

كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾ ﴿١٩﴾

نه چنین است اطاعت او مکن و سجده کن و تقرب جوی. {سجده واجب}

اطاعت: عمل با رغبت و خضوع به آنچه امر و حکم اقتضا می کند. بنابراین سه قید در اطاعت وجود دارد: رغبت، خضوع، و عمل طبق امر.

سجده: کمال خضوع است به گونه ای که اثری از انانیت و منیت در فرد نباشد.

تقرب: در مقابل بُعد است اعم از مادی و معنوی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

